

ف مثل فاشیسم

آنتونیو نگری | فؤاد حبیبی

توضیح: متن بسیار مختصر حاضر از کتاب نگری در باب نگری گرفته شده که مبتنی بر مصاحبه آن دو فورمنتل با نگری است. هر کدام از فصل‌های کتاب با یکی از حروف الفبا آغاز می‌شود و در آن نگری برداشت‌های خود درباره یکی از اصطلاحات پیشنهادی را شرح می‌دهد. (از امپراتوری، مقاومت و انبوه خلق تا کانت، هایدگر و ویتگنشتاین)

برخی می‌گویند خود **فاشیسم** نیز یکی از فرم‌هایی است که انبوه خلق می‌تواند از طریق آن سازماندهی شود. به باور من این سخن نادرست است: وقتی انبوه خلق فاشیست شود، [پیشاپیش] به سوی توده و تنهایی عقب‌گرد کرده است. انبوه خلق فقط وقتی می‌تواند فاشیست باشد که از خاص بودگی‌اش تهی شده، یعنی از این واقعیت که مجموعه‌ای از تکنیکی‌هاست، کثرتی از فعالیت‌های فروکاست‌ناپذیر.

فاشیسم نیز همچون شرهمواره قسمی نفی قدرت است، عقب‌نشینی از هستی مشترک. فاشیست‌ها نفرت از دیگران را تشویق می‌کنند، به تقدیس خشونت در حکم درمان پلیدی‌های جهان می‌پردازند، تفاوت‌ها را محو می‌کنند، و لب به مدح و ثنای جهان کهن می‌کشایند. فاشیسم - همه‌ی انواع فاشیسم - به نحوی ویرانگر در برابر جنبش و حرکت حیات واکنش نشان می‌دهد، در برابر شیوه‌ی شادمانه و متنوعی که حیات بدان ترتیب خودش را ابداع می‌کند.

فاشیسم اندوهگین است - فاشیسم همانا سلطنت پستی، زمختی و خشونت است. لذا، فاشیسم از ظهور تفاوت‌ها دستخوش ترس می‌شود؛ از درهم‌آمیزی نژادی دچار انزجار، و از بدیل‌های مطرح‌شده در برابر شبه‌هنجارمندی جنسی غرق در خشم و غضب. در بن تمامی این‌ها استیصال، تزویر و خشونت نهفته است، اما همچنین باید به چیزی که امکان بنیادی‌تر و غالب‌تر اشاره کرد: کیش فاشیستی هویت و این‌همانی که الی‌الابد خودش را احیا می‌کند.

اما می‌توان فراز دیگری را نیز برای حرف «ف» پیشنهاد داد - ف مثل فوکو - و - دلوز - که بر چیزی کاملاً خلاف آنچه هم‌اینک در خصوص فاشیسم بیان کردم دلالت دارد. زیرا نزد فوکو، دلوز، و کل مجموعه‌ای از متفکران معاصر با کشف، تعمیق و تکوین میراث دیگری از مدرنیته مواجه می‌شویم؛ میراثی که به عوض پنهان‌سازی تفاوت در پس هویت و تکرار، از خلال گوناگونی حیات به ستایش از تفاوت می‌پردازد. و حتی اگر چارچوب مزبور به چیز پیچیده‌تری بدل می‌شود، اگر خود را درباره مشکلاتی که گاهی همزیستی تفاوت‌ها در بر دارد فریب می‌دهیم، با همه‌ی این‌ها تفاوت‌های مزبور مشمول جادوی زمان می‌شوند، که به اتکای‌اش از هرگونه خواست مرگ فاصله می‌گیرند.

فوکو و دلوز، هر کدام به شیوه‌ی خود، قدرت‌های آزاد ابداع را در سده‌ی بیستم بازسازی کردند: آنها به تجلیل از میل پرداختند و تمامی آن نیروهایی را فاشیست دانستند که سد راه میل می‌شوند و در پی ممانعت از ظهور و بیان آن هستند.

منابع

Antonio Negri, 2004, *Negri on Negri: in conversation with Anne Dufourmentelle*, Translated by M. B. Debevoise, Routledge, Uk, London, pp. 73–74